

تأثیر تورم بر عملکرد مدیریت بانکی در ایران

اله مراد سیف^۱

دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

سمیرا سیف

دستیار علمی دانشگاه پیام نور واحد نهاوند

سمیه فتاحی

مدرس دانشگاه پیام نور واحد بروجرد

چکیده:

تورم از جمله مشکلات ساختاری اقتصاد ایران است که با نرخ های دورقمی بر عملکرد اقتصادی کشور در دوران پس از جنگ تحمیلی تاکنون اثرگذار بوده است. نظام بانکی به عنوان بخش مهم اثرگذار بر عملکرد اقتصادی در تمام این سالها خود به شدت متأثر از شرایط تورمی اقتصاد بوده است. تورم بهره واقعی را کاهش و تقاضا برای وام را افزایش می دهد. از طرفی دیگر، افزایش نرخ تورم انگیزه سپرده گذاری را کاهش می دهد و در نتیجه قدرت وام دهی بانکها را محدود خواهد ساخت. در چنین شرایطی، وضع محدودیت بر نرخ های بهره بانکی توسط دولت نیز بانکها را در مقابل تورم از هر دو جهت جذب سپرده و اعطای تسهیلات محدود خواهد ساخت. در این مقاله، مبتنی بر داده های سری زمانی، آثار تورم بر عملکرد بانکی در ایران از جهت جذب سپرده و نیز اعطای تسهیلات طی سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ بررسی شده است. اطلاعات از گزارش های اقتصادی سالانه بانک مرکزی و همچنین وبگاه بانک مرکزی و سازمان آمار کشور به دست آمده است. روش تحقیق، تحلیل رگرسیون و نیز استفاده از روش تحقیق همبستگی با استفاده از نرم افزار *Eviews* بوده است. یافته های به دست آمده حاکی از این است که، اگرچه تورم بر عملکرد نظام بانکی در جذب سپرده ها و نیز دادن تسهیلات تأثیر منفی داشته است، ضریب ارتباط در اغلب الگوها چندان چشمگیر نبوده است. بنابراین تأثیر تورم بر عملکرد نظام بانکی در ایران مانند کشورهای پیشرفته که مدارک و شواهد رابطه منفی قوی بین تورم و میزان جذب سپرده و اعطای تسهیلات را ثابت کرده است نشان نمی دهد. این دو مفهوم را می رساند: اولاً یعنی طی سال هایی که تورم از نرخ سود سپرده ها بیشتر بوده و با این حال حجم سپرده گذاری افزایش یافته است و سپرده گذاران زیان دیده اند. این مفهوم ناکارآمدی نظام اقتصاد دولتی است که انحصار را در همه عرصه ها نهادینه کرده است. یعنی گزینه ای برای انتقال سپرده های مردم از بانکها به بازارهای دیگر وجود نداشته است. ثانیاً نشان می دهد که عواملی دیگر از اقتصادی و غیر اقتصادی بر حجم سپرده ها مؤثر بوده است.

۱. نویسنده مسئول: dr_a_seif@yahoo.com

30 فصلنامه توسعه مدیریت پولی و بانکی، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۳

کلیدواژه‌ها:

تورم، سرکوب مالی، سپرده‌های جذب شده، تسهیلات اعطا شده.

مقدمه

تورم عبارت است از افزایش عمومی، نامتناسب و خودافزای قیمت‌ها که اغلب حالتی مداوم و برگشت‌ناپذیر دارد (کتابی، ۱۳۷۱). تورم تأثیرات جانبی زیادی از جمله بر توزیع درآمدها، مصرف، کاهش تولید، توزیع منابع و کارایی، انحراف امکانات تولید به فعالیت‌های نامطلوب و بودجه دولت دارد (همان). تحقیقات درباره تأثیر تورم بر بخش مالی نشان می‌دهد که تورم بر توانایی بخش مالی برای تخصیص بهینه منابع اثر می‌گذارد. یعنی نرخ تورم از نرخ بازده واقعی پولی و دارایی‌ها می‌کاهد (Boyd & Smith, 2001). همچنین افزایش در نرخ تورم به طور معکوس بر عملکرد بخش مالی از طریق اعتبارات بازار تأثیر می‌گذارد که هم روی بانک‌ها و هم روی عملکرد بازار سرمایه و بنابراین بر رشد اقتصادی نتایج منفی بلندمدت می‌گذارد (Huybens & Smith, 1999).

وظیفه اساسی نظام پولی - مالی تجهیز منابع مالی و تخصیص بهینه آن در نظام اقتصادی برای پشتیبانی و تسهیل امور تولیدی و گسترش رفاه و توسعه اقتصادی است. نظام پولی - مالی شامل بازارهای مالی (به طور مشخص بازار سهام) و نظام بانکی است، که در ایران، به دلیل گسترش مناسب نیافتن بازارهای مالی، نقش نظام بانکی بسیار پررنگ‌تر شده است؛ در نتیجه، نقشی بسیار مهم در تأمین و تجهیز منابع مالی و تشویق سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری بهینه و مطلوب منابع مالی و تسهیل رشد اقتصادی بر عهده دارد. در این مقاله در پی آن هستیم که عملکرد نظام بانکی را در شرایط تورمی ایجاد شده در اقتصاد ایران ارزیابی کنیم. پس از مقدمه، ابتدا بر مباحث ادبیات مروری خواهیم کرد. سپس روش اجرای پژوهش و الگوهای استفاده‌شده بررسی می‌شود و آن گاه نتایج به دست آمده عرضه خواهد شد. در پایان هم نتیجه‌گیری و پیشنهادهای تحقیق خواهد آمد.

ادبیات موضوع

نظام پولی - مالی کشور نقش کلیدی در ثبات و کارایی محیط اقتصادی، حفظ ثبات سطح عمومی قیمت‌ها، پشتیبانی از امور تولیدی و تسهیل رشد و توسعه اقتصادی کشور دارد. وظیفه اساسی نظام پولی - مالی تجهیز منابع مالی و تخصیص بهینه آن در نظام اقتصادی

برای پشتیبانی از امور تولیدی و تسهیل آن و گسترش رفاه و توسعه اقتصادی است. نظام پولی- مالی شامل بازارهای مالی (به طور مشخص بازار سهام) و نظام بانکی است، که در ایران، به دلیل گسترش نیافتن مناسب بازارهای مالی، نقش نظام بانکی بسیار پررنگ‌تر شده است؛ در نتیجه نظام بانکی نقشی بسیار مهم در تأمین و تجهیز منابع مالی و تشویق سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری بهینه و مطلوب منابع مالی و تسهیل رشد اقتصادی بر عهده دارد. منابع مالی نظام بانکی به طور طبیعی از محل سپرده‌های مردم تأمین می‌شود و یکی از مهم‌ترین متغیرها در تصمیمات سپرده‌گذاری مردم در نظام بانکی نرخ سود سپرده‌هاست. البته در نظام جدید اقتصادی دو نوع نرخ بهره را می‌توان از هم متمایز کرد: یکی نرخ بهره واقعی و دیگری نرخ بهره اسمی (Douglas, 1984).

آنچه برای تصمیمات سپرده‌گذاری مهم است نرخ واقعی سود بانکی است نه نرخ‌های اسمی. به عبارت بهتر، نرخ اسمی سود بانکی پس از کسر تورم به عنوان نرخ حقیقی ملاک تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی است. از طرف دیگر، تقاضا برای منابع مالی در هر فعالیت اقتصادی با توجه به انتظارات فعالان اقتصادی از سوددهی و بازدهی آن فعالیت اقتصادی و نیز نرخ سود بانکی تعیین می‌شود. به طوری که، هرچه نرخ سود بانکی افزایش یابد، تقاضا برای منابع مالی کاهش می‌یابد و، هرچه نرخ سود بانکی کاهش یابد، تقاضا برای منابع مالی افزایش خواهد یافت.

نرخ سود بانکی همچنین از متغیرهای کلیدی و اساسی اقتصاد است. ارتباط این متغیر کلیدی با میزان پس‌انداز ملی، سرمایه‌گذاری، میزان توان جذب منابع در نظام بانکی، دادن تسهیلات، رشد و توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی، کنترل نقدینگی، تورم، اشتغال، رونق و رکود اقتصادی باعث شده است که تعیین نرخ سود بانکی در همه کشورهای جهان و به خصوص اقتصادهای پیشرفته (نرخ بهره) از حساسیتی ویژه برخوردار باشد. روشن است که یکی از علل اساسی ناکارآمدی نظام بانکی کشور در تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها دست‌یابی به رشد اقتصادی مطلوب و ایجاد اشتغال به کارگیری صحیح از ابزار نرخ بهره بانکی است.

نرخ بهره بانکی هزینه سرمایه از دیدگاه سرمایه‌گذار و هزینه فرصت پول از دیدگاه سپرده‌گذار محسوب می‌شود. از این رو نیروهای موجود در بازار سرمایه نرخ تعادلی بهره را تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر، تعیین نرخ عادلانه و صحیح برای این متغیر باید از طریق

سازوکار بازار صورت گیرد؛ یعنی نرخ سود بانکی (نرخ بهره) تحت شرایط عرضه و تقاضا در نقطه‌ای به تعادل می‌رسد که متناسب با نرخ تورم باشد.

اقتصاددانان تا قبل از دهه ۱۹۷۰ فرض می‌کردند که نرخ‌های کم بهره مخارج سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را مطابق نظریات نئوکلاسیک و کینزی افزایش خواهد داد. مکینون و شاو (۱۹۷۳) از نخستین کسانی بودند که با این موضوع مخالفت کردند و به صورت هم‌زمان این فرضیه را مطرح کردند که افزایش در نرخ سپرده‌ها پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. فرای (۱۹۸۰) نیز فرض کرد که کاهش نرخ بهره واقعی سپرده تقاضای واقعی پول (تعریف وسیع پول که شامل سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار است) و عرضه واقعی اعتبار را کاهش می‌دهد. همچنین، آزمون‌های تجربی از رابطه مثبت و معنادار بین نسبت پس‌انداز ملی به تولید ناخالص ملی و نرخ بهره واقعی سپرده در بیشتر تحقیقات حمایت می‌کنند. ووگل و باسر (۱۹۷۶) نشان داده‌اند که در کشورهای آمریکای لاتین اثر منفی تورم بر نسبت پس‌انداز و مدت‌دار به تولید ناخالص داخلی به شدت معنادار بوده است.

در متون اقتصادی، تحقیقات فراوانی وجود دارد که به حساسیت و واکنش مثبت پس‌انداز نسبت به نرخ بهره واقعی اشاره می‌کند. برای مثال، پژوهش‌های یوسف و پیترز (۱۹۸۴)، گوپتا (۱۹۸۴)، روئس (۱۹۸۲)، هانس و دوملو (۱۹۸۵) و فرای (۱۹۷۸ و ۱۹۸۰) از الگوی مک کینون-شاو (واکنش مثبت پس‌انداز نسبت به نرخ بهره واقعی) حمایت کرده‌اند و بعضی تحقیقات دیگر، از جمله گوپتا (۱۹۸۴)، اوکامیو و همکارانش (۱۹۸۵) و گیوانینی (۱۹۸۳، ۱۹۸۵) این فرضیه را در بعضی از کشورهای در حال توسعه مواجهه با وضعیت سرکوب مالی رد کرده‌اند. از بررسی کلی متون تجربی این چنین برمی‌آید که در بیشتر کشورهای در حال توسعه این فرضیه پذیرفتنی است؛ اگرچه در بعضی از تحقیقات درباره اعتبار این فرضیه ایجاد شک شده است.

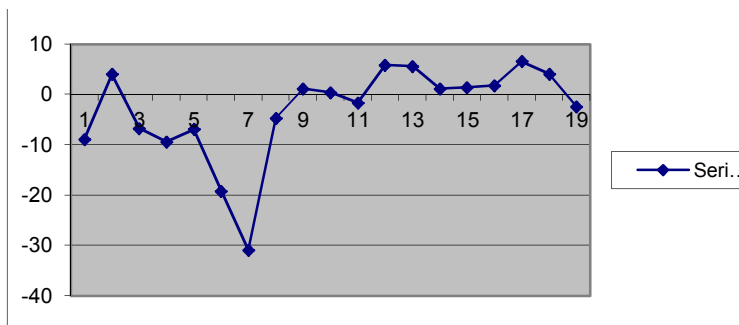
علاوه بر این، تجارب کشورهای در حال توسعه که در نیم قرن گذشته سیاست‌های سرکوب مالی را پیش گرفتند نشان می‌دهد که پس از شکست این سیاست‌ها ناگزیر به اصلاحات ساختار مالی روی آوردند؛ سیاست‌هایی که صفت مشخص و فصل مشترکشان پرهیز از سیاست‌های سرکوب مالی و آزادسازی نرخ بهره بوده است. چرایی آن در نتایج حاصل از

تحقیقات پولی مانند تحقیقات مک کینون^۱، شاو^۲، ماکسول^۳ و ترل وال^۴ مشهود است. همچنین تحقیقات صورت گرفته در اقتصاد ایران حکایت از رهاسازی کنترل نرخ بهره و کنترل عرضه پول دارد (نائینی و پسران، ۱۳۷۸). نتایج حاصل از مقاله بررسی تأثیر کاهش نرخ سود بانکی بر سرمایه‌گذاری که ابوالمحسن والی‌زاده و محمود رجبی تهیه کرده‌اند نشان داده است که «سرمایه‌گذاری دولتی در اقتصاد ایران ارتباط معنادار با نرخ سود بانکی سپرده‌های بلندمدت ندارد و مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر آن درآمدهای نفتی و تولید ناخالص داخلی است.» تغییر در نرخ سود بانکی سپرده‌های بلندمدت اثری معنادار و معکوس بر سرمایه‌گذاری خصوصی در ماشین‌آلات بر جای می‌گذارد. سرمایه‌گذاری خصوصی در ساختمان ارتباطی معنادار با نرخ سود بانکی سپرده‌های بلندمدت ندارد و این امر ارتباط کل سرمایه‌گذاری خصوصی با متغیر مذکور را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است. با توجه به اینکه کاهش نرخ سود بانکی می‌تواند به طور بالقوه سبب افزایش رانت دریافت تسهیلات بانکی گردد، مدیریت عرضه و توزیع منابع بانکی باید به گونه‌ای باشد که چنین امکانی را محدود نماید.

در پژوهش علی حسین صمدی نیز پیشنهاد شده است که مسئولان کشور برای تحریک پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بر تأمین مالی از منابع داخلی تأکید کنند و اقدام به رها کردن سقف نرخ بهره واقعی نمایند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت که، اگر مسئولان پولی کشور جسارت نسخ سرکوب مالی را از طریق رها کردن سقف نرخ بهره واقعی به خود بدهند، سطح سرمایه‌گذاری و پس‌انداز واقعی افزایش خواهد یافت و این امر منجر به افزایش مجدد درآمد و سرانجام رشد اقتصادی خواهد شد (صمدی، ۱۳۸۰).

به منظور تحلیل روند تغییرات میزان سپرده‌های جذب شده واقعی توسط نظام بانکی طی این سال‌ها، شاخصی را معرفی می‌کنیم که نشان‌دهنده بازدهی منابع پس‌انداز شده در نظام بانکی کشور است. شاخص مورد نظر نرخ بهره واقعی است که از اختلاف نرخ بهره اسمی پس‌اندازهای بانکی و نرخ تورم به دست می‌آید.

-
1. Mackinon
 2. Shaw
 3. Maxwell
 4. Warman Tirlwall



نمودار شماره (۱): نرخ بهره واقعی طی سالهای ۱۳۶۱-۱۳۸۶

با توجه به نمودار شماره (۱) مشاهده می‌شود که تقریباً در همه سال‌های مورد بررسی مقدار این شاخص منفی یا نزدیک به منفی بوده است. منفی بودن این شاخص به این معنی است که ارزش واقعی منابع سرمایه‌گذاری شده در بانک‌ها به تدریج کاهش می‌یابد. حال عکس‌العمل سرمایه‌گذاران در مواجهه با چنین شرایطی چه خواهد بود؟ در چنین وضعیتی تصمیم‌گیری به منظور سپرده‌گذاری یا خروج منابع از نظام بانکی به سایر انتخاب‌های موجود بستگی دارد. یکی دیگر از این انتخاب‌ها سپرده‌گذاری در بازارهای مالی غیررسمی است. البته این گونه از معاملات که به طور غیررسمی صورت می‌گیرد، به دلیل فقدان بستری قانونی و اثبات برای ادای تعهدات مربوط به قراردادهای^۱ دارای ریسک است. طبعاً افزایش ریسک این نوع معاملات منجر به کاهش تقاضای ورود به این بازارها خواهد شد.^۲

انتخاب دیگری که پیش روی سپرده‌گذاران وجود دارد خرید کالاهای بادوام است که تحت شرایط تورمی نوعی سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. تحت این شرایط قسمتی از خریدها به نیت حفظ ارزش پول در قالب کالاهای بادوام صورت می‌گیرد. بنابراین می‌توان انتظار داشت، تحت شرایطی که نرخ بهره واقعی سپرده‌های پس‌انداز بانکی کشور منفی است، سپرده‌گذاران منابع خود را از نظام بانکی خارج کنند و به شکل‌های دیگر بازدهی بیشتری از منابع ریالی خود به دست آورند.

1. Enforcement

۲. البته شواهد غیر رسمی موجود حاکی از گسترش معاملات مالی در این بازارهاست.

وجود مبادلات مالی در بازارهای غیر رسمی نیز نشان‌دهنده ناکارآمد بودن نظام بانکی کشور است. در واقع، تشکیل هر نوع بازار موازی، که فعالیت‌های جاری در آن تحت عنوان بازار سیاه صورت می‌گیرد، نشان‌دهنده فقدان تعادل در زمینه تسویه عرضه و تقاضا در بازار رسمی است. روشن است که فقدان تسویه در بازار به معنی وجود عواملی خارجی است، که با دخالت در سازوکار بازار مانع عملکرد مطلوب آن هستند. از این رو، تحت شرایطی که نرخ بهره واقعی پس‌اندازهای بانکی منفی است، عوامل اقتصادی منابع ریالی خود را در خارج از نظام بانکی به کار می‌گیرند و هر چه تفاوت نرخ‌های بهره رسمی و غیررسمی بیشتر شود منابع بیشتری از نظام بانکی خارج می‌شود.

از طرفی، به دلیل کم بودن نرخ‌های بهره تسهیلات وام، نظام بانکی کشور همواره شاهد مازاد تقاضا برای دریافت تسهیلات بانکی بوده است. در این حالت حجم اعتبارات ریالی نظام بانکی نمی‌تواند از محل پس‌اندازهای جامعه تأمین شود، که این فشار منجر به تأمین این منابع از محل افزایش پایه پولی می‌گردد.

تغییر نظام بانکی از ربوی به بدون ربا می‌توانست با قرار دادن نرخ سود در قبال تولید منشأ تحولاتی مثبت باشد، اما موانعی از تحقق این امر جلوگیری کرد. بانک‌ها نتوانسته‌اند وظیفه و نقش خود در اقتصاد را ایفا کنند. بانک‌ها در جمع‌آوری پس‌اندازهای مردم ناتوان بوده‌اند؛ زیرا رقیب قدرتمندی در این راه نداشته‌اند. در کشورهای پیشرفته بنگاه‌های اقتصادی دیگر مانند بازار بورس، تعاونی‌ها و انواع شرکت‌ها وجود دارد که هر یک بسته به میزان سودآوری و تنوع خدمتشان بخشی از پس‌اندازهای مردم را جذب می‌کنند و این رقابت موجب ارتقای کیفی و تنوع خدمات می‌شود. انحصاری بودن بازار تجهیز منابع برای بانک‌ها در ایران طی سالیان گذشته نظامی خشک و انعطاف‌ناپذیر بر آن‌ها حاکم کرده بود که دیگر انگیزه‌ای برای تغییر نداشتند. بانک‌ها در جذب پس‌اندازهای مردم آفت دیگری را به وجود آوردند و آن اینکه با گرفتن سود بیشتر از تسهیلات و دادن سود کمتر به سپرده‌ها از ایفای نقش واقعی خود در اقتصاد دورتر و ناکارآمدتر شدند. زیاد بودن نرخ تورم و ناچیز بودن نرخ سود واقعی سپرده‌های بانکی عامل دیگری بود که مانع توفیق بانک‌ها در جذب پس‌اندازهای مردم شد. نرخ تورم زیاد خود معلول افزایش نقدینگی ناشی از تأمین کسری بودجه از طریق نظام بانکی است. تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از نظام بانکی از

بدترین شیوه‌های جبران کسری بودجه است که با تزریق پول به اقتصاد نقدینگی را افزایش می‌دهد. میزان نقدینگی از طریق ضریب فزاینده چندین برابر پول تزریقی افزایش می‌یابد و به واسطه رابطه مستقیمی که با نرخ تورم دارد موجب افزایش آن نیز می‌شود. بانک‌های خصوصی در سال ۱۳۸۱ در قالب چهار بانک در کشور تأسیس شدند و شروع به فعالیت کردند. با وجود پاره‌ای از مشکلات، نقش این بانک‌ها در بخش بانکی کشور تاکنون بسیار چشمگیر بوده است؛ به نحوی که از نظر شاخص‌هایی مانند تجهیز منابع و اعطای تسهیلات در پایان سال ۱۳۸۳ نسبت به سال اول فعالیت خود به ترتیب از افزایشی معادل ده و سیزده برابر برخوردار بوده است. این بانک‌ها، به علت اینکه شرکت‌های دولتی سهامدار آن‌ها هستند، به نوعی تحت تأثیر دولت نیز قرار دارند؛ اما کیفیت خدمت‌رسانی آن‌ها به طوری محسوس بهتر از بانک‌های دولتی است و در ایفای نقش خود کاراتر عمل می‌کنند. به نظر می‌رسد تنها راه بهبود صنعت بانکداری در ایران خارج شدن از این صنعت و قرار دادن آن در اختیار مردم باشد. دولت باید به طور واقعی از این صنعت کنار بکشد و فقط بر عملکرد آن‌ها نظارت کند. این نظارت نیز باید از طریق بانک مرکزی دارای استقلال دنبال شود. استقلال بانک مرکزی از دولت این تضمین را ایجاد می‌کند که بانک‌ها با نظارت این بانک بتوانند با سیاست‌های پولی مناسب وضع اقتصاد را بهبود بخشند.

درباره استفاده از ابزارهای سیاست پولی از جمله نرخ بهره در کشورهای مختلف مقرراتی متفاوت حاکم است. در برخی از کشورها نظیر سنگاپور تعیین نرخ بهره به سازوکار بازار محول شده است؛ اما در بیشتر کشورها از جمله سوئد، بلژیک، ایرلند، اندونزی و مالزی مسئولیت تعیین نرخ بهره و اجرای تغییرات آن بر عهده بانک مرکزی است. در برخی دیگر از کشورها مثل ژاپن بانک‌ها مستقلاً در چارچوب ضوابط قانونی درباره تعیین نرخ بهره سپرده‌ها و سود تسهیلات تصمیم‌گیری می‌کنند. اما در همه حال میزان نرخ بهره باید از واقعیات اقتصادی کشور تبعیت کند و در جهت تحریک سرمایه‌گذاری‌های مولد، افزایش درآمد ملی و تولید ناخالص داخلی، تثبیت ارزش پول و ثبات اقتصادی کشور تعیین و مشخص شود. در الگوبرداری از کشورها باید دقت شود که واقعیات اقتصادی کشور، ظرفیت‌های موجود، امکانات و قوانین اوضاع را پیچیده‌تر نسازد. در نظام بانکداری بدون ربای ایران، سودهای بانکی عام از سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری و تسهیلات توسط بانک مرکزی

تعیین می‌شود؛ همچنین همواره سقفی برای بانک‌های عامل مشخص و اعلام می‌شود که بر اساس آن جذب و تجهیز منابع و اعطای تسهیلات صورت می‌گیرد. از آنجا که نرخ‌های تعیین شده برخاسته از واقعیات اقتصادی کشور نیست، تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری و تولید و در نتیجه رشد اقتصادی مطلوب نیست و به گسترش سوداگرایی و تجارت کاذب منجر می‌شود. یکی از علل مهم تخصیص نیافتن بهینه منابع و توجیه‌ناپذیری واقعی سرمایه‌گذاری‌ها همین امر بوده است. اصرار نظام بانکی در تداوم وضع کنونی به نوعی تأکید بر سیاست‌های سرکوب مالی است که بانک مرکزی اعمال می‌کند. از این رو، به استناد ماده بیستم قانون عملیات بانکداری بدون ربا، مداخلات دستوری مجلس در حوزه پولی را بر نمی‌تابد (جامساز، ۱۳۸۰).

روش تحقیق

در این پژوهش، با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی کتب و مقالات، گزارش‌های سالانه اقتصادی بانک مرکزی، اطلاعات مربوط به نرخ تورم، میزان سپرده‌های جذب شده اعم از کل سپرده‌های نظام بانکی، سپرده بانک‌های تجاری و تخصصی و همچنین به تفکیک دیداری، مدت‌دار، قرض‌الحسنه، پس‌انداز و کوتاه‌مدت، میزان کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی و همچنین به تفکیک بانک‌های تجاری و تخصصی را در یک دوره زمانی نوزده ساله از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ جمع‌آوری کرده‌ایم. متغیرهای ذکر شده در جدول شماره (۱) در برازش الگوها استفاده شده است.

برای فرضیه اول یعنی «تورم به میزانی معنادار با کاهش جذب سپرده در نظام بانکی رابطه دارد» و همچنین برای فرضیه دوم یعنی «تورم به میزانی معنادار با محدود بودن ظرفیت وام‌دهی بانک‌ها رابطه دارد» الگوهای زیادی با استفاده از نرم‌افزار *Eviews* برازش شده است. الگوها به طور کلی از رابطه معنادار میان تورم و میزان جذب سپرده و همچنین تورم با میزان تسهیلات اعطایی حکایت می‌کنند؛ ولی، برای نتیجه‌گیری کلی و سرانجام نتیجه‌گیری فرضیه مهم، ابتدا الگوهای ضعیف کنار گذاشته شده است. الگوهای برازش شده نهایی به شرح جدول شماره (۲) است.

جدول شماره (۱): متغیرها مورد استفاده در برازش الگوها

واحد محاسبه	شرح متغیر	علامت اختصاری	واحد محاسبه	شرح متغیر	علامت اختصاری
هزار میلیارد ریال	کل تسهیلات داده شده به بانک‌های تخصصی	LOTKH	هزار میلیارد ریال	کل سپرده‌ها	TD
هزار میلیارد ریال	نقدینگی بخش خصوصی (پول + شبه پول)	LIQ	هزار میلیارد ریال	سپرده دیداری	D1
درصد	نرخ رشد نقدینگی بخش خصوصی	GLIQ	هزار میلیارد ریال	سپرده قرض الحسنه و پس‌انداز	D2
درصد	نرخ تورم	INF	هزار میلیارد ریال	کل سپرده نزد بانک‌های تجاری	DTJ
درصد	نرخ تورم با تأخیر یک ساله	INF(-1)	هزار میلیارد ریال	کل سپرده نزد بانک‌های تخصصی	DTKH
(بدون واحد)	شاخص قیمت مصرف‌کننده	CPI	هزار میلیارد ریال	سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت	D3
درصد	نرخ سود سپرده یک ساله	SS	هزار میلیارد ریال	سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت	D4
درصد	نرخ سود تسهیلات یک ساله	ST	درصد	نرخ رشد سپرده قرض الحسنه و پس‌انداز	GD2
درصد	خالص تورم (تورم منهای نرخ سود سپرده)	INF-SS	درصد	نرخ رشد سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت	GD3
-	تابع متغیر روند زمانی	@TREND	درصد	نرخ رشد سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت	GD4
-	تابع میانگین متحرک	@MOVAV	هزار میلیارد ریال	کل تسهیلات در نظام بانکی	TL
هزار میلیارد ریال	نقدینگی بخش خصوصی (پول + شبه پول)	LIQ	هزار میلیارد ریال	کل تسهیلاتی که بانک‌های تجاری داده‌اند	LOTJ

جدول شماره (۲): الگوهای مرتبط با فرضیه‌های تحقیق

الگوهای مرتبط با فرضیه اول
$TD = C(1) + C(2)*LIQ + C(3)*INF$
$TD = C(1) + C(2)*LIQ + C(3)*INF + C(4)*(@TREND)$
$@MOVAV(TD, 4) = C(1) + C(2)*INF + C(3)*LIQ$
$@MOVAV(DTJ, 3) = C(1) + C(2)*INF + C(3)*LIQ$

$DTKH*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
$DTKH*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF + C(3)*(@TREND)$
$DTKH*100/LIQ = C(1) + C(2)*(INF-SS) + C(3)*(@TREND)$
$DTJ*100/CPI = C(1) + C(2)*INF + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
$DTJ*100/CPI = C(1) + C(2)*INF(-1) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$

الگوهای مرتبط با فرضیه دوم
$TL = C(1) + C(2)*INF(-1)$
$TL*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF$
$TL*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF(-1)$
$LOTJ*100/CPI = C(1) + C(2)*INF(-1) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
$100*LOTKH/CPI = C(1) + C(2)*(INF-ST) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
$100*LOTKH/CPI = C(1) + C(2)*INF(-1) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$

علاوه بر آزمون آماری رگرسیون، از آزمون همبستگی نیز برای کشف رابطه بین تورم با میزان تسهیلات بانکی اعطایی نظام بانکی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

قبل از نتایج آماری رگرسیون، از آزمون همبستگی برای کشف رابطه بین تورم با میزان انواع سپرده‌های جذب شده و نیز تسهیلات اعطایی توسط نظام بانکی استفاده شده است. نتایج جدول شماره (۳) این ضرایب را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): ضرایب همبستگی سپرده‌های بانکی با نرخ تورم

ردیف	متغیر بانکی	ضریب همبستگی متغیر بانکی با نرخ تورم
۱	سپرده دیداری	-۰/۶۰
۲	سپرده قرض الحسنه و پس انداز	-۰/۵۸
۳	سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت	-۰/۵۳
۴	سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت	-۰/۵۸
۵	کل سپرده نزد بانک‌های تجاری	-۰/۵۸

۶	کل سپرده نزد بانک‌های تخصصی	-۰/۵۸
۷	نرخ رشد سپرده کوتاه‌مدت	-۰/۵۴
۸	کل سپرده‌های بانکی	-۰/۵۸
۹	نرخ رشد سپرده بلندمدت	-۰/۴۳

جدول شماره (۴): ضرایب همبستگی تسهیلات بانکی با نرخ تورم

ردیف	متغیر بانکی	ضریب همبستگی متغیر بانکی با نرخ تورم
۲	کل تسهیلات بانکی	- ۰/۵۷
۳	تسهیلات بانک‌های تجاری	- ۰/۵۶
۴	تسهیلات بانک‌های تخصصی	- ۰/۵۹

با توجه به نتایج ضریب همبستگی، متغیر نرخ تورم با متغیرهای مرتبط با عملکرد بانکی (اعم از متغیرهای مرتبط با جذب سپرده و یا متغیرهای مرتبط با اعطای تسهیلات) در جدول شماره (۴) همگی (به جز سپرده‌های دیداری) حاکی از ارتباط غیر مستقیم و یا معکوس نرخ تورم با عملکرد بانکی هستند.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

با توجه به نتایج ارائه شده از الگوهای برازش شده در جدول شماره (۵)، انواع مختلف سپرده جذب شده - اعم از سپرده‌های بلندمدت، کوتاه‌مدت، قرض‌الحسنه، پس‌انداز کل و بانک‌های تجاری و تخصصی - پیوندی معنادار با عامل نرخ تورم در فرضیه اول دارد. یعنی، هر چه میزان تورم افزایش یابد، تمایل برای سپرده‌گذاری در بانک‌ها کاهش یافته است. این امر می‌تواند به این دلیل باشد که، در شرایط تثبیت شده نرخ بهره بانکی، افزایش نرخ تورم منجر به منفی شدن نرخ بهره واقعی بانک‌ها می‌شود و افرادی که راغب بودند سرمایه‌های خود را در بانک‌ها سپرده‌گذاری کنند، برای اینکه از تورم در امان باشند و بتوانند سودی بیشتر کسب کنند، سپرده‌های خود را به نزول و ربا یا خرید سکه و ارز سوق می‌دهند.

جدول شماره (۵): الگوهای برازش شده مرتبط با فرضیه اول (اثر تورم بر جذب سپرده‌های بانکی)

الگوها	متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضرایب شیب	معناداری شیب	R-squared
--------	--------------	----------------	-----------	--------------	-----------

42 فصلنامه توسعه مدیریت پولی و بانکی، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۳

	(t)				
۰/۹۹۶	-۰/۰۲ -۰/۰۰ -۰/۱۴	۳۶/۳ ۰/۷۸ -۰/۸۸	عرض از مبدأ نقدینگی نرخ تورم	کل سپرده	$TD = C(1) + C(2)*LIQ + C(3)*INF$
۰/۹۹۹	-۰/۹۷ -۰/۰۰ -۰/۰۸۹ -۰/۰۰	۰/۳۹ ۰/۷۳ -۰/۶۱ ۵/۷۵	عرض از مبدأ نقدینگی نرخ تورم متغیر روند	کل سپرده	$TD = C(1) + C(2)*LIQ + C(3)*INF + C(4)*(@TREND)$
۰/۹۹۶	-۰/۰۰۳ -۰/۰۳ -۰/۰۰	۴۴/۵ -۱/۱۱ ۰/۵۵	عرض از مبدأ نرخ تورم نقدینگی	کل سپرده میانگین متحرک چهار دوره‌ای	$@MOVAV(TD,4) = C(1) + C(2)*INF + C(3)*LIQ$
۰/۹۹۴	-۰/۰۰۳ -۰/۰۵ -۰/۰۰	۴۹/۹۸ -۱/۱۲ ۰/۵۱	عرض از مبدأ نرخ تورم نقدینگی	کل سپرده نزد بانک‌های تجاری میانگین متحرک سه دوره‌ای	$@MOVAV(DTJ,3) = C(1) + C(2)*INF + C(3)*LIQ$
۰/۹۸	-۰/۰۰ ۰/۰۰۲ -۰/۱۲ -۰/۰۰	۴/۰۲ -۰/۰۶ -۰/۰۴ ۰/۷۳	عرض از مبدأ نرخ تورم رشد نقدینگی متغیر روند	نسبت کل سپرده نزد بانک‌های تخصصی به نقدینگی	$DTKH*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
۰/۹۷	-۰/۰۰ -۰/۰۰ -۰/۰۰	۳/۸ -۰/۰۸ ۰/۶۷	عرض از مبدأ نرخ تورم متغیر روند	نسبت درصدی سپرده نزد بانک‌های تخصصی به نقدینگی	$DTKH*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF + C(3)*(@TREND)$
۰/۹۷	-۰/۰۰ -۰/۰۰ -۰/۰۰	۳/۰۸ -۰/۰۸ ۰/۶۵	عرض از مبدأ نرخ خالص تورم متغیر روند	نسبت درصدی سپرده نزد بانک‌های تخصصی به نقدینگی	$DTKH*100/LIQ = C(1) + C(2)*(INF-SS) + C(3)*(@TREND)$
۰/۹۸	-۰/۰۰ -۰/۰۰۲ -۰/۱۲ -۰/۰۰	۴/۰۲ -۰/۰۶ -۰/۰۴ ۰/۷۳	عرض از مبدأ نرخ تورم رشد نقدینگی متغیر روند	نسبت کل سپرده نزد بانک‌های تخصصی به نقدینگی	$DTKH*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
۰/۸۲	-۰/۱۵ -۰/۰۹ -۰/۰۰۸ -۰/۰۰	۹۴/۲ ۲/۷ -۶/۶ ۱۵/۹۸	عرض از مبدأ نرخ تورم رشد نقدینگی متغیر روند	ارزش واقعی سپرده نزد بانک‌های تجاری	$DTJ*100/CPI = C(1) + C(2)*INF + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
۰/۸۶	-۰/۰۹ -۰/۰۱۶ -۰/۰۰۲ -۰/۰۰	۹۶/۲ ۳/۶ -۷/۳ ۱۵/۷	عرض از مبدأ نرخ تورم با تأخیر رشد نقدینگی متغیر روند	ارزش واقعی سپرده نزد بانک‌های تجاری	$DTJ*100/CPI = C(1) + C(2)*INF(-1) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$

جدول شماره (۶): الگوهای برازش شده برای فرضیه دوم

الگوها	متغیر وابسته	متغیرهای مستقل	ضرایب شیب	معناداری شیب (t)	R-squared
$LOTJ*100/CPI = C(1) + C(2)*INF(-1) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$	ارزش واقعی تسهیلات بانک‌های تجاری	عرض از مبدأ نرخ تورم با تأخیر رشد نقدینگی متغیر روند	-۲۹/۱ -۴/۸۶ ۸/۳ ۱۵	-۰/۶۶ -۰/۰۰۹ -۰/۰۰۴ -۰/۰۰	۰/۸۲
$100*LOTKH/CPI = C(1) + C(2)*(INF-ST) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$	ارزش واقعی تسهیلات بانک‌های تخصصی	عرض از مبدأ نرخ خالص تورم رشد نقدینگی	-۲۸ -۱/۲۱ ۲/۱۳	-۰/۲۸ -۰/۰۸۹ -۰/۰۴۷	۰/۸۱

	۰/۰۰	۶/۷۶	متغیر روند		
	۰/۹۹	-۰/۳۴	عرض از مبدا	ارزش واقعی تسهیلات بانک‌های تخصصی	$100*LOTKH/CPI = C(1) + C(2)*INF(-1) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
	۰/۰۰	-۱/۹۳	نرخ تورم با تأخیر		
۰/۸۹	۰/۰۰	۲/۴۲	رشد نقدینگی		
	۰/۰۰	۶/۶۹	متغیر روند		

با توجه به نتایج ارائه شده از الگوهای برازش شده در جدول شماره (۶) برای فرضیه دوم، تسهیلات اعطایی نظام بانکی اعم از بانک‌های تجاری و تخصصی پیوندی معنادار با افزایش نرخ تورم دارد. بدین شکل که، هر چه میزان تورم افزایش یافته، تسهیلات اعطایی نظام بانکی کاهش یافته است. این امر می‌تواند به این دلیل باشد که با افزایش تورم، چون مردم میل به پس‌انداز در بانک‌ها را از دست می‌دهند، سرمایه‌ای هم ایجاد نمی‌شود که به صورت وام به متقاضیان تعلق بگیرد. بنابراین تسهیلات نیز به طور غیر مستقیم متأثر از تورم و کاهش نرخ بهره بانکی است.

بحث و نتیجه‌گیری

با استناد به نتایج گرفته شده از برازش الگوها، می‌توان گفت که، اگرچه تورم تأثیر منفی بر عملکرد نظام بانکی در جذب سپرده‌ها و نیز دادن تسهیلات گذاشته، ضریب ارتباط در اغلب الگوها چندان چشمگیر نبوده است. بنابراین، تأثیر تورم بر عملکرد نظام بانکی در ایران مانند کشورهای پیشرفته را — که مدارک و شواهد رابطه منفی قوی بین تورم و میزان جذب سپرده و اعطای تسهیلات را ثابت کرده است — نشان نمی‌دهد. علت را در ادامه توضیح می‌دهیم:

از لحاظ نظری ثابت شده است که، چنانچه سود سپرده‌های بانکی در پی کاهش نرخ سود تسهیلات کاسته شود و این قضیه باعث جبران کاهش ارزش پول سپرده‌گذار نشود، یعنی پایین‌تر از نرخ تورم باشد، منطقاً سبب خروج سپرده‌ها از بانک‌ها و انتقال آن‌ها به بازارهای غیر متشکل پولی (ربوی) می‌شود؛ یعنی بازار سرمایه یا بازارهایی نظیر ارز، طلا، مسکن و... که نرخ بهره در آن زیاد است. این امر منابع تسهیلاتی بانک‌ها را کاهش می‌دهد و نتیجه این می‌شود که از سود آن‌ها می‌کاهد. حتی، اگر نرخ سود تسهیلات و سپرده‌ها به طور یکسان کاهش یابد، اگرچه در حاشیه سود بانک‌ها تغییری ایجاد نمی‌کند اما در طی سال، به

سبب کاهش منابع تسهیلاتی ناشی از خروج سپرده‌ها از بانک‌ها، به نقصان گردش عملیاتی بانک‌ها می‌انجامد و سطح سوددهی آن‌ها را کاهش می‌دهد. اما به رغم منطق فوق، که در شرایط بازار رقابتی و در حاکمیت اقتصاد آزاد صادق است، بررسی رفتار سپرده‌گذاران و تغییر و تحول اجزای نقدینگی یعنی پول و شبه پول در اقتصاد دولتی نفتی، طی سال‌های پس از جنگ تحمیلی، تصویری دیگر را ترسیم می‌کند. به حکایت آمارهای بانک مرکزی نقدینگی در سال ۶۸ حدود ۱۸۷۵ میلیارد تومان بوده است. این رقم با رشدی دائمی در پایان سال ۸۶ به حدود ۱۶۴۰۰۰ میلیارد تومان رسیده، یعنی ۸۷ برابر شده است. طبیعتاً تورم در همین دوره با افت و خیزهایی همواره دو رقمی همراه و در بیشتر سال‌ها افزون بر نرخ سود سپرده‌ها بوده است. اما سهم شبه پول، یعنی همان سپرده‌های مدت‌دار که یکی از اجزای نقدینگی است، نسبت به حجم پول یعنی اسکناس و مسکوک نزد مردم به اضافه سپرده‌های دیداری نزد بانک‌ها — یعنی جزء دیگر نقدینگی — بیشتر رشد کرده است. این امر به مفهوم اقبال مردم به سپرده‌گذاری مدت‌دار بوده است. به‌ویژه سپرده‌های کوتاه‌مدت که همواره مبتلا به نرخ سود منفی بوده و حجمی بیش از پنجاه درصد سپرده‌ها را تشکیل داده است. بنابراین، با وجود اینکه نرخ سپرده‌های مدت‌دار بانک‌های دولتی به‌ویژه کوتاه‌مدت از نرخ تورم کمتر بوده است، ۹۳ درصد نقدینگی جذب بانک‌ها شده است. جالب است بدانیم که نسبت بین سپرده‌های مدت‌دار به سپرده‌های دیداری نیز دائماً رو به افزایش بوده است. از این رو باید پذیرفت که پیشینه اقتصاد دولتی ایران طی ۲۸ سال گذشته رابطه علیت صرف بین حجم سپرده‌گذاری را با متغیرهای سود بانکی و تورم نفی می‌کند. این دو مفهوم را می‌رساند که اولاً یعنی با وجود آنکه طی سال‌هایی تورم از نرخ سود سپرده‌ها بیشتر بوده حجم سپرده‌گذاری افزایش یافته است؛ یعنی سپرده‌گذاران زیان دیده‌اند. این مفهوم ناکارآمدی نظام اقتصاد دولتی است که انحصار را در همه عرصه‌ها نهادینه کرده است؛ یعنی گزینه‌ای برای انتقال سپرده‌های مردم از بانک‌ها به بازارهای دیگر وجود نداشته است. در حالی که در بانکداری جدید و در نظام اقتصاد آزاد رقابتی نرخ سود بانکی و تورم در ارتباطی تعریف شده قرار دارد. ثانیاً نشان می‌دهد که عوامل دیگری از اقتصادی و غیر اقتصادی بر حجم سپرده‌ها مؤثر بوده است. برای مثال نمی‌توان رابطه بین درآمد و حجم سپرده‌گذاری را نادیده گرفت، یا اقبال نکردن سپرده‌گذاران به ورود به بازارهای ربوی به سبب فقدان

مشروعیت این بازارها، صنعت بازار سرمایه، تا حدی ناآشنایی بیشتر سپرده‌گذاران با سازوکار بورسی، ریسک زیاد بازارهایی مثل طلا و ارز و... اما باید بپذیریم که امروزه، با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و دورنمای رشد و شکوفایی بورسی، قطعاً اگر سود سپرده‌ها به تبع کاهش سود تسهیلات کاهش یابد بی‌تردید بخشی از سپرده‌ها به بازار سرمایه و خرید سهام منتقل می‌شود که این خود نیز اقدامی مؤثر برای شکوفایی بازار سرمایه و اعتلای بخش مولد اقتصاد است. البته باید متذکر شد که کشش‌پذیری سپرده‌های با مبالغ بزرگ بیش از سپرده‌ها با مبالغ کوچک است.

نرخ بهره یکی از ابزارهای کنترل نقدینگی و تورم است که به مثابه ابزار تحقق متغیرهایی نظیر رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، اشتغال و... که به صورت کمی هدف گذاری می‌شود، به کار گرفته می‌شود. اگرچه نمی‌توان از آثار متقابل متغیرهای اقتصاد کلان بر یکدیگر غفلت ورزید، باید پذیرفت که متغیرهایی که به عنوان ابزار توسعه اقتصادی به کار گرفته می‌شود بی‌تردید بر متغیرهای هدف اثرگذاری متقابل بیشتری دارند. بر این اساس، تعیین دستوری نرخ بهره بانکی نیز به مثابه ابزار سیاست‌گذاری پولی اگر در قالب مجموعه‌ای از سیاست‌های تکمیلی نظیر تنظیم بازار پول، کنترل حجم نقدینگی، اصلاح سیاست‌های ارزی، خصوصی‌سازی بانک‌ها، مهار کسر بودجه و... صورت گیرد، می‌تواند در مهار تورم مؤثر واقع شود. اما باید اذعان کرد که ساختار اقتصاد دولتی فاقد ظرفیت لازم برای اعمال خیلی از این سیاست‌هاست؛ از این رو برای کنترل ریشه‌ای تورم باید تحول از نظام اقتصاد دولتی به نظام اقتصاد آزاد صورت پذیرد.

با در نظر گرفتن نتایج حاصل از این تحقیق و ضمن توجه به مسائل ذکر شده در مباحث پیشین، توصیه‌های سیاستی زیر عرضه می‌شود:

● توجه نکردن به تغییرات نرخ تورم در تعیین دستوری نرخ سود بانکی را، که بعضاً حتی در سطحی پایین‌تر از نرخ تورم تعیین می‌شود، می‌توان عامل اصلی مشکلاتی معرفی کرد که نظام بانکی ایران با آن مواجه است. در غیر این صورت، نرخ سود واقعی بانکی در حد صفر یا حتی منفی که به صورت دستوری بر نظام بانکی ایران تحمیل می‌شود؛
 ➔ اولاً) پس‌انداز در بانک‌ها را، به صورت پدیده‌ای اقتصادی که توجیه‌کننده به حداقل رساندن مصرف در زمان حال باشد، منتفی می‌کند؛ از این رو، پس‌انداز مردم در

نظام بانکی در حداقل خود قرار دارد و حجمی بزرگ از پس‌انداز شهروندان ایرانی، به جای نهادهای مالی نظیر بانک‌ها، یا در دارایی‌های فیزیکی متجلی می‌شود و یا به ایجاد بازارهای غیر رسمی منجر می‌شود. این پدیده در بلندمدت می‌تواند نظام بانکی ایران را در آستانه ورشکستگی قرار دهد.

➔ ثانیاً) با توجه به نرخ سود بانکی واقعی ناچیزی که به ازای تسهیلات بانکی دریافت می‌شود، برخورداران از تسهیلات بانکی با وجود اینکه در ازای این تسهیلات درصدی بازپرداخت می‌کنند، چه بسا به دلیل نرخ سود واقعی منفی سود نیز به آنان تعلق می‌گیرد. از این رو، نظام بانکی با مازاد تقاضا برای تسهیلات مواجه است و برخورداران از تسهیلات بانکی در واقع از نوعی رانت اقتصادی بهره می‌برند، که از یک سو به ترویج فساد اقتصادی و رشوه در نظام بانکی می‌انجامد و از سوی دیگر مانع برخورداری شهروندان از فرصت‌های برابر به مثابه معیاری از عدالت اقتصادی می‌شود.

با توجه به مطالب مذکور، با فرض اینکه اصل دولتی بودن بانک‌ها و تعیین دستوری نرخ سود بانکی موجه باشد، توجه به تغییرات نرخ تورم در تعیین نرخ سود نظام بانکی تنها راهکار برون رفت از مشکلات کنونی نظام بانکی است. نقش اصلی نظام بانکی به مثابه واسطه‌ای مالی در وهله اول این است که پس‌انداز شهروندان را جذب کند و آن را به صورت تسهیلات در اختیار افرادی قرار دهد که حداکثر توان سرمایه‌گذاری و اجرای پروژه‌ها با بیشترین بازدهی را داشته باشند. از این رو تعیین نرخ سود بانکی که نتواند تعادل بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را برقرار کند موجب تخصیص ناکارآمد منابع و ناکارایی نظام بانکی خواهد شد. حتی اگر محدودیت‌های خاص مربوط به قانون عملیات بانکی کشور را مد نظر قرار دهیم، از موضع نظریات و تجارب علم اقتصاد، تعیین نرخ سودی که بیشتر از نرخ تورم باشد و نرخ سود واقعی مثبت را تأمین کند حداقل چیزی است که از سیاست‌گذاران نظام بانکی کشور انتظار می‌رود.

● با توجه به شرایط اقتصادی ایران، توانایی کنترل مقامات پولی بر نرخ سود بانک‌ها آن را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی برای تحریک بخش واقعی اقتصاد تبدیل کرده است. کارایی این ابزار سیاستی می‌تواند توسط دو عامل زیر محدود شود:

- ❖ اولاً عامل ریسک که موجب می‌شود نرخ سود از کارایی کمتری در تحریک سرمایه‌گذاری برخوردار باشد، از این رو تغییر دستوری نرخ سود بانکی نیز فاقد کارایی لازم برای تحریک بخش واقعی اقتصاد خواهد بود.
- ❖ ثانیاً تعیین نرخ سود بانکی بدون توجه به تغییرات نرخ تورم، که قادر نیست توجیه‌کننده پس‌انداز در بانک‌ها باشد. از این رو، حجمی بزرگی از پس‌انداز شهروندان در اختیار نظام بانکی قرار نمی‌گیرد و این خود از قدرت تأثیرگذاری نظام بانکی بر بخش واقعی اقتصاد از طریق تغییر در نرخ سود بانکی می‌کاهد.
- از این رو، برای اینکه دولتمردان بتوانند ابزار لازم را برای بانک مرکزی به منظور تحریک بخش واقعی اقتصاد فراهم آورند، ضروری است، در کنار اختیار دادن به بانک مرکزی برای منطقی کردن نرخ سود بانکی، به کاهش ریسک اقتصادی نیز همت گمارند. در این صورت، بانک مرکزی قادر خواهد بود از نرخ سود بانکی به عنوان ابزاری کارآمد برای مدیریت نقدینگی و تبدیل آن به جریان سرمایه‌گذاری و تولید استفاده کند.
- قانون کاهش نرخ سود بانکی در حالی تصویب شده و به مرحله اجرا رسیده است که استدلال اصلی طراحان آن این است که، با اجرای این قانون، نرخ تورم کاهش می‌یابد. درباره این موضوع می‌توان به چند نکته اشاره کرد:
- ❖ اولاً این استدلال که با کاهش نرخ سود اسمی نرخ تورم کاهش می‌یابد، در صورتی که ناظر بر رابطه‌ای بلندمدت باشد، فاقد مبانی نظری لازم است.
- ❖ ثانیاً این استدلال در صورتی که ناظر بر رابطه‌ای کوتاه‌مدت باشد، به دلیل شرایط اقتصادی ایران و ریسک سرمایه‌گذاری زیاد، از کارایی لازم برخوردار نیست.
- ❖ ثالثاً اگر به کاهش نرخ بهره بانکی به مثابه هدف بنگریم، با توجه به تأیید فرضیات تحقیق می‌توان این ادعا را مطرح کرد که شرط اصلی کاهش نرخ سود بانکی کاهش نرخ تورم و به تبع آن تعدیل انتظارات تورمی است که امکان کاهش نرخ سود بانکی را ایجاد می‌کند. به گونه‌ای که این کاهش به نرخ سود واقعی منفی منجر نشود. بنابراین در افق بلندمدت، سیاست‌های کنترل و کاهش تورم تنها راهکار زمینه‌ساز کاهش نرخ سود بانکی است.

● می‌توان، درباره تأثیر گذاری سیاست‌های پولی، به نکاتی اشاره کرد که محققان در مسیر اجرای تحقیق با آن مواجه شده‌اند:

➤ اولاً) در اقتصاد ایران، به علت کسری بودجه‌های متوالی و محدودیت‌های مالی دولت، سیاست‌های پولی به سیاست‌های مالی مربوط می‌شود و عملاً استقلال بانک مرکزی را نیز تضعیف کرده است. در نتیجه، سیاست‌های پولی اغلب با اراده دولت به افزایش نقدینگی در اقتصاد منجر می‌شود.

➤ ثانیاً) به نظر می‌رسد در اقتصاد ایران انبساط پولی، به دلیل تنگناهای ساختاری اقتصاد و ریسک سرمایه‌گذاری زیاد، نه فقط تأثیری بر تولید ندارد بلکه به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم در جامعه منجر می‌شود. از این رو از نظر خنثی بودن سیاست‌های پولی و آثار تورمی صرف آن، می‌توان شباهتی بین نظریه کلاسیک‌ها و شرایط اقتصادی ایران یافت که، نه به دلیل شرایط اشتغال کامل بلکه، به دلیل تنگناهای ساختاری اقتصاد ایران و زیاد بودن ریسک اقتصادی در کشور است، که مانع اصلی افزایش تولید به شمار می‌رود.

منابع

الف- منابع فارسی

- بهمنی، م. (۱۳۸۴). *بانکداری داخلی، اصول بانکداری*. تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
- بهمنی، م. و م. بهمنی (۱۳۷۰). *بانکداری داخلی ۱*. تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
- تقوی، م. و م. خلیلی عراقی (۱۳۸۴). «عوامل مؤثر بر سرکوب مالی و سلسله مراتب تأثیر آن‌ها بر اقتصاد»، *پژوهشهای اقتصاد ایران*، شماره ۲۲.
- جامساز، م. (۱۳۸۰). «مالی، مروری بر بیانیه بانک مرکزی»، *بانک و اقتصاد*، شماره ۵۶، صفحه ۲۰.
- خاوری، کشاورزیان، پیوستی و عظیمی (۱۳۸۲). *آزادسازی نرخ سود و تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران*. کنفرانس سیاست‌های پولی و بانکی.
- خزائی، م. (۱۳۸۷). *آشنایی با تحلیل سری‌های زمانی*. تهران: پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران.
- صمدی، ع. (۱۳۷۹). «گسترش مالی و رشد اقتصادی در ایران، آزمون ریشه واحد و همگرایی در حضور تغییر جهت‌های ساختاری»، *برنامه و بودجه*، شماره ۱۰ و ۱۱.
- صمدی، ع. (۱۳۸۰). «سرکوب مالی و رشد اقتصادی در ایران: ارزیابی الگوی مک کینون - شاو»، *برنامه و بودجه*، شماره ۴۳ و ۴۴، صفحات ۱۰۳-۱۳۲.
- فرجی، ی. (۱۳۷۷). *پول و ارز بانکداری*. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- قدیری اصلی، ب. (۱۳۷۶). *پول و بانک: در پیدایش پول نظریه‌های پولی...* تهران: دانشگاه تهران.
- کتابی، ا. (۱۳۷۱). *تورم: ماهیت، علل، آثار و راههای مقابله با آن*. سال ششم، تهران: اقبال.
- کمبجانی، ا. و ب. بیدآباد (۱۳۶۹). *تبیین پولی تورم در اقتصاد ایران و امکان‌پذیری حصول اهداف برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- کمبجانی، ا. و ر. سیفی پور (۱۳۸۵). «بررسی اثرات سرکوب مالی بر رشد اقتصادی در ایران»، *پژوهش‌های اقتصادی*، سال ششم، شماره سوم.
- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (۱۳۶۵). *نظری اجمالی به جنبه‌های اقتصادی تورم*. واحد تحقیقات بازرگانی گروه تحقیقات بازرگانی داخلی.

- مبانی و استدلال‌های طرح مهار تورم: مجموعه مقالات (۱۳۸۳). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مجموعه مقالات دوازدهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی (۱۳۸۱). پژوهشکده پولی و بانکی.
- مجموعه مقالات ششمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی (۱۳۷۵). مؤسسات تحقیقات پولی و بانکی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۴). طرح منطقی کردن سود تسهیلات بانکی، مجموعه مقالات، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نابینی، ج. و پسران (۱۳۷۸). «عرضه پول در اقتصاد ایران»، برنامه و بودجه، شماره‌های ۴۳ و ۴۴ و ۵۱، صفحات ۱۰۳ و ۱۳۲.
- نظیفی، ف. (۱۳۸۳). «توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران»، پژوهش‌های اقتصادی، سال چهارم، شماره ۳.

ب- منابع انگلیسی

- Alexander, R. (1997). Inflation and Economic Growth. Evidence from A Grow the Equation, *Applied Economic*, 29, 233-238.
- Bang, M., Bernhard, W. & Granato, Jones, L. (1997). The Effect of Inflation on the Natural Rate of Output. Experimental Evidence, *Applied Economics*, 29, 1191-1190.
- Blanchard, O. & Fischer, R. (1989). *Lectures on Macromomics*. MIT Press.
- Boyd & Champ. (2003). Inflation and Financial Market Performance: What Have We Learned in the Last Ten Years? *Federal Reserve Bank of Vlereland, Working Paper*, 3, 3-17.
- Boyd, Levine & Smith, B. (2001). *The Impact of Inflation on Financial Market Performamnce*. *Journal of Monetary Economics*, 24, 221-248.
- Douglas, G. (1984). *Encyclopedia Economiquc*. Paris, Economic a.
- Huybens, E. & Smith (1999). Inflation, Financial Markets, and Long Run Real Activity. *Journal of Monetary Economics*. 43, 283-315.

Huybens, S. B. (1998). Financial Market Frictions, Monetary Policy, and Capital Accumulation in a Small Open Economy. *Journal of Economic theory*, 81, 353-400.

John, H., Boyd, & Bruce, champ (2003). *Inflation, Banking, and Economic Growth*. Federal Reserve Bank of Cleveland, 385.